

## بررسی انواع تشبیه در غزلیات و قصاید حکیم نظامی گنجوی

حسین اسماعیل‌لو\*

چکیده

بین فنون بلاغت، فن تشبیه، بیشترین بسامد را از لحاظ تنوع و کاربرد به خود اختصاص داده است. ابداع تشبیهات غیرتکراری و در عین حال خیال‌انگیز، در سبک آذربایجانی رونقی گسترده یافته، در دوره سبک عراقی به اوج خود رسیده است. با وجود این که حکیم نظامی گنجوی در خمسه خویش، این فن را در حدّ اعلاّی آن به خدمت گرفته است؛ متأسفانه به دلیل شهرت مثنوی‌های عاشقانه او، دیوان اشعارش شامل غزلیات، قصاید، قطعات و رباعی‌ها؛ کمتر مورد اقبال قرار گرفته است و زیبایی‌های لفظی و معنایی آن، ناشناخته مانده‌اند. آنچه در این مقاله بدان پرداخته شده است واکاوی مهم‌ترین رکن از ارکان فنون علم بیان یعنی فن تشبیه در دیوان نظامی است. مسأله اصلی این تحقیق، پاسخ به این سؤال است که آیا توفیقی که نظامی در مثنوی‌هایش یافته است در دیوان او نیز قابل مشاهده است؟ بدین منظور، تمام اشعار موجود در دیوان نظامی مطالعه شده، پس از استخراج تمام تشبیهات موجود در دیوان، برای هر یک از انواع تشبیهات موجود در فن تشبیه، توضیحات و مثال‌هایی از شواهد مستخرج ارایه شده است.

کلید واژه‌ها: دیوان نظامی، علم بیان، تشبیه، مشبّه، مشبّه‌به.

\* - استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نقده، دانشگاه آزاد اسلامی، نقده، ایران.

## مقدمه

عنصر «خیال انگیز» بودن در تعریف‌هایی که برای شعر سنتی در نظر گرفته شده است، عامل مشترک تعریف‌های موجود برای شعر دوره معاصر نیز به شمار می‌رود و همین عامل مشترک بین شعر سنتی و معاصر، مهم‌ترین عامل تمایز «سخن ادبی» از «سخن عادی» است. عامل خیال، در حقیقت شریک ساختن مخاطب با عوالمی است که شاعر در آنها سیر می‌کند.

آنچه از دیرباز در ادبیات ایران زمین سبب برتری نسبی شعر بر غیر شعر بوده است، برخوردار بودن زبان شعر از ابتکار عمل گسترده در خیال‌پردازی‌ها و تصویرسازی‌های جذاب شاعرانه است. به عبارت دیگر، شعر «دمیدن نوعی نفخه حیات بخش و ایجاد رستاخیز در کلمات است.» (محبّتی، ۱۳۹۰: ۲۱۳) و سخن، هر چه از خیال انگیزی و تصویرسازی بیشتری برخوردار باشد به همان اندازه نیز مقبول‌تر و دل‌انگیزتر خواهد بود.

رکن اصلی این تخیل، تشبیه است که تمام ادبا و پژوهشگران در تمام زبان‌ها بر آن تأکید داشته، وضوح معنی را نیز در سایه بکارگیری آن دانسته‌اند. (ن.ک: ابوهلال عسگری، ۱۳۷۲: ۲۴۹) اما این بدان معنی نیست که هر تشبیهی قابل قبول و شایسته تقدیر باشد. اگر تشبیه چنان باشد که حتی خواننده عوام نیز قادر به دریافت غرض شاعر باشد، پایه شعر تا حد فراوانی تنزل یافته است و شاعر نتوانسته است اسباب شگفتی مخاطب را فراهم آورد. (ن.ک: جرجانی، ۱۳۷۴: ۷۴)

## بیان مسأله

از بین فنون متعددی که در زیباسازی سخن ایفای نقش می‌کنند، «فن بیان» یا «علم بیان» نقشی به مراتب چشمگیرتر را بر عهده دارد (ن.ک: همایی، ۱۳۷۱: ۸) و از بین فنون چهارگانه بیان، تشبیه، برجسته‌ترین مباحث را شامل می‌شود و می‌توان آن را زیر بنای مباحث علم بیان در نظر گرفت. در اصل، «صورت‌های گوناگون خیال و نیز انواع تشبیه، مایه گرفته از همان شباهتی است که نیروی تخیل شاعر در میان اشیاء کشف می‌کند و در صور مختلف به بیان در می‌آورد.» (پورنامداریان، ۱۳۸۱: ۲۱۴) هر اندازه که این تشبیهات برانگیخته شده از جنبه‌های اغراق‌آمیز بیشتری برخوردار باشند، جذابیت بیشتری نیز برای مخاطب ایجاد خواهند کرد (ن.ک: شمیسا،

۱۳۸۱: ۱۳۴ و نیز: احمدنژاد، ۱۳۸۲: ۱۵) و تنها در این صورت است که شاعر قادر خواهد بود تا «معنی خرد را بزرگ گرداند و معنی بزرگ را خرد و نیکو را در خلعت زشت و زشت را در صورت زیبا جلوه کند.» (عروضی، ۱۳۷۶: ۴۳)

حکیم نظامی گنجوی را می‌توان به عنوان یکی از برجسته‌ترین نمونه‌های این قسم از سخن‌سرایان در نظر گرفت که مثنوی‌های او شاهد این مدعا هستند. چنانکه از اشارات او بین بعضی از مثنوی‌هایش قابل دریافت است، به غیر از مثنوی‌های پنجگانه، دیوان اشعاری نیز داشته است. این نکته، از ابیات پراکنده‌ای که در لیلی و مجنون ذکر شده است، قابل اثبات است:

روزى به مباركى و شادى	بودم به نشاط كىبادى
ابروى هلالىم گشاده	ديوان نظامى ام نهاده
آيينه بخت رو به رويم	اقبال به شانه كرده مويم

(نظامی، ۱۳۸۳: ۲۶)

در مقدمه این دیوان - که توسط استاد سعید نفیسی گردآوری شده و متأسفانه بیش از ۲۰۰۰ بیت از آن باقی نمانده است - ، با استناد به نظر دولتشاه سمرقندی در تذکره الشعراء، به صراحت بیان شده است که: «دیوان نظامی حاوی قصاید و غزلیات و قطعات و رباعیات شامل زیاده از بیست هزار بیت بوده است.» (نظامی گنجوی، ۱۳۸۰: ۱۳۰)

آنچه در این مقاله مورد بررسی قرار خواهد گرفت، بررسی انواع تشبیهاتی است که با قدرت تخیل نظامی در هم آمیخته، تصاویری بی‌بدیل را پیش چشم مخاطبان ترسیم نموده است.

### پیشینه و ضرورت تحقیق

پیرامون صور خیال در مثنوی‌های نظامی، تحقیقات گسترده‌ای به انجام رسیده است که از آن میان می‌توان به این موارد اشاره کرد:

- ۱- بررسی و تحلیل عناصر موسیقایی در منظومه «لیلی و مجنون» نظامی با تکیه بر عناصر زیبایی‌شناختی نوشته دکتر فرشته ناصری، نشریه زیبایی‌شناسی ادبی، سال ۱۳۹۴، شماره ۲۶.

۲ - نقد تحلیلی - تطبیقی منظومه «خسرو و شیرین» و «لیلی و مجنون» نظامی گنجوی نوشته فضل الله رضایی اردانی، پژوهشنامه ادب غنایی، ۱۳۸۷.

۳ - تحلیل شخصیت و شخصیت‌پردازی نظامی در دو منظومه «خسرو و شیرین» و «لیلی و مجنون»، نویسنده: صدرا قائدعلی، ادبیات و علوم انسانی (دانشگاه بیرجند)، ۱۳۸۲ شماره ۳.

۴ - نقد و تحلیل شرح‌های اسکندرنامه نظامی گنجوی، نوشته غلامحسین غلامحسین زاده، ابوالقاسم رادفر و خورشید نوروزی، ادبیات فارسی دانشگاه آزاد مشهد، پاییز ۱۳۸۷، شماره ۱۹.

۵ - کتاب «صور خیال در خمسه نظامی»، تألیف دکتر برات زنجانی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۸. چنانکه ملاحظه می‌شود، تمام پژوهش‌های مذکور، بر روی مثنوی‌های نظامی صورت گرفته‌اند و درباره دیوان او، تحقیق خاصی صورت نگرفته است. به نظر می‌رسد که شهرت مثنوی‌های مذکور، بر قصاید و غزلیات او سایه افکنده‌اند و این بخش از اشعارش را از فراروی پژوهشگران، تا حدودی پنهان نگاه داشته‌اند.

از نظر طرز بیان، قصاید نظامی را می‌توان تا حدودی شبیه سبک قصاید خاقانی در نظر گرفت، اما در مقایسه با متانت و معانی والایی که در قصاید خاقانی مشاهده می‌شود، قدری سهل‌تر هستند. درون مایه اکثر قصاید نظامی را مضامین زاهدانه و حکمت‌آمیز تشکیل می‌دهند که بدون تردید، اوضاع اجتماعی و سیاسی عصر حیات او در پرداختن به این مضامین تأثیری مستقیم داشته‌اند.

در باب غزلیات نظامی نیز، نکته درخور توجه، سادگی و شیوایی آنهاست. به رسم معمول، با توجه به عدم پختگی قالب و محتوای غزل در قرن ششم و عدم استفاده حداکثری از ظرفیت غزل در کنار قصیده برای خلق معانی فخیم و در عین حال جذاب، غزل نظامی نیز در مقایسه با مثنوی‌های او، در سطحی پایین‌تر قرار می‌گیرد.

### سؤال اصلی تحقیق

براساس آنچه ذکر شد، سؤالی که می‌تواند در این زمینه مطرح گردد آن است که: غزلیات و قصاید نظامی در مقایسه با مثنوی‌های او تا چه حد از زیبایی‌های خیال‌انگیز شاعرانه برخوردار

است و از بابت تصویرسازی‌های خلاقانه مبتنی بر تشبیه، در غزلیات و قصاید تا چه اندازه موفق عمل کرده است؟ بر این اساس، هدف اصلی این پژوهش نیز در اصل، نمایاندن میزان توانایی نظامی در خلق تشبیهاتی بکر و بی‌مانند در قالب قصاید، غزلیات، قطعات و حتی رباعیات موجود در دیوان اوست.

### بحث و بررسی

با توجه به این که هدف تشبیه، واگویی شباهت و یا شبیه کردن چیزی به چیز دیگر است، طبیعی است که بار اصلی برقراری این ارتباط بر روی مشبّه و مشبّه‌به باشد. به همین علت، هنگام بررسی جمله‌ای که در آن تشبیه به کار رفته است «باید به اعتبار هر دو رکن اصلی آن (مشبّه و مشبّه‌به)، یکجا نگریست زیرا تشبیه در جمله است نه در واژه و هر جمله یا عبارت یا اضافه تشبیهی، از این دو رکن خالی نیست؛ اما توجه اصلی ما در فهم تشبیه باید بر روی مشبّه‌به باشد، چون وجه شبه از مشبّه‌به اخذ می‌شود. مشبّه‌به باید اعراف و اجلی از مشبّه باشد، یعنی؛ وجه شبه و ماندگی باید در مشبّه‌به قوی‌تر و آشکارتر باشد.» (شمیسا، ۱۳۸۳: ۶۱)

از ارکان اصلی تشبیه، دو رکن «مشبّه» و «مشبّه‌به» به عنوان ارکان اصلی شمرده می‌شوند و به هیچ عنوان قابل حذف نیستند. دو رکن دیگر، یعنی «وجه شبه» و «ادات تشبیه» نیز به عنوان ارکان فرعی تشبیه محسوب شده، قابل حذف یا ذکر هستند. با توجه به «قابل حذف» یا «ذکر شدن» ارکان فرعی تشبیه، انواع متفاوتی از تشبیهات شکل می‌گیرند که هر یک از آنها، نمودی از توانمندی شعرا در ابداع تشبیهات نوین شمرده می‌شوند. در ادامه بحث، انواع تشبیهات مذکور به همراه شواهدی متعدّد از شعر فارسی با تأکید بر نمونه‌هایی از دیوان پیر گنجه، ارائه خواهند شد.

### انواع تشبیه از نظر محسوس یا معقول بودن ارکان اصلی تشبیه

طرفین اصلی تشبیه با در نظر گرفتن هر یک از آنها، به دو قسم محسوس و غیرمحسوس (معقول)، تقسیم می‌شود. «مقصود از حسّی، چیزی است که به یکی از حواس پنجگانه (دیدن، شنیدن، بوییدن، چشیدن و بسودن) ادراک شود. ... و مقصود از تشبیه عقلی، چیزی است

که به یکی از حواس، پنجگانه ظاهری ادراک نشود.» (همایی، ۱۳۷۰: ۱۴۴) بنابر این، هر تشبیه از نظر محسوس یا معقول بودن مشبه و مشبه‌به، به چهار نوع تقسیم می‌شود:

#### ۱-۱: تشبیه حسّی به حسّی

این قسم از تشبیه را باید تشبیه عینی نامید؛ چرا که هر دو طرف تشبیه جزو محسوسات بوده، قابل درک و دریافت با حواس پنجگانه هستند. چنانکه سعدی می‌فرماید:

کارم چو زلف یار پریشان و درهم است      پشتم به سان ابروی دلداری پرخم است

(سعدی، ۱۳۸۳: ۳۷۳)

در بیت فوق، شاعر در مصراع دوم، پشت خود را به ابروی دلداری تشبیه کرده است. مشبه: پشت (حسّی)، مشبه‌به: ابرو (حسّی). حکیم گنجه نیز در دیوان خویش می‌فرماید:

آن کاو به کنج خانه نشیمن کند، بود      مانند عنکبوت به جولاهگی سزا

(نظامی، ۱۳۸۰: ۲۱۸)

در این بیت، مشبه: شخص خانه نشین، مشبه‌به: عنکبوت. (هم شخص و هم عنکبوت، هر دو اموری حسّی هستند.)

به افت و خیز که در ره فتاده‌ام پی رزق      به چشم عقل نمودار مور دانه برم

(همان، ۲۴۰)

در این بیت، «شاعر=من» خود را به «مور» تشبیه کرده است که طرفین تشبیه محسوس هستند. (هم من و هم مور، هر دو حسّی هستند)

#### ۱-۲: تشبیه حسّی به عقلی

در این شکل از تشبیه، مشبه قابل دریافت با یکی از حواس پنجگانه است، اما مشبه‌به قابل دریافت با حواس مذکور نیست بلکه امری عقلانی و غیر حسّی است:

مرو چو بخت من ای چشم مست یار به خواب      که در پی است ز هر سویت آه بیداری

(حافظ، ۱۳۷۲: ۲۳۴)

در این بیت، مشبه: چشم (حسّی)، مشبه‌به: بخت (عقلی)، است. نظامی نیز می‌فرماید:

مزن باد صبا دامن بر آن زیبا قد رعنا      تن چون جان پاک اندر درون پیرهن دارد  
(نظامی، ۱۳۸۰: ۲۷۷)

در بیت فوق، تن به جان (روح) پاک تشبیه شده است که تن: مشبّه (حسی)، جان پاک: مشبّه-  
به (عقلی)؛ است.

عمری ز سودای لبش جستم به یارب یاربش      آخر به ظلمات شبش چون آب حیوان یافتم  
(همان: ۳۰۲)

در بیت مذکور، شاعر معشوق خود را به آب حیوان تشبیه کرده است. ضمیر «ش» (او) =  
معشوق: مشبّه (حسی)، آب حیوان: مشبّه به (عقلی)؛ است.

### ۳-۱: تشبیه عقلی به عقلی

در این قسم از تشبیه، طرفین تشبیه جنبه عقلی (غیر ملموس) دارند، یعنی اموری هستند که  
به وسیله حواس پنج‌گانه، قابل درک نیستند. «از نظر بلاغی، این نوع تشبیه چندان بلاغتی ندارد،  
زیرا؛ دریافت وجوه اشتراک بین دو امر معقول، کاری دشوار است و ثانیاً مشبّه بر طبق روال تشبیه،  
باید در وجه شبه قوی‌تر باشد و چون در این نوع از تشبیه مشبّه نیز از امور عقلانی است هر ذهنی  
نمی‌تواند به کیفیت قوی‌تر بودن وجه شبه در مشبّه نسبت به مشبّه به پی برد.» (علوی مقلّم و  
اشرف‌زاده، ۱۳۷۶: ۱۰۰)

رشیدالدین وطواط نیز این قسم از تشبیه را قبول نداشته، می‌نویسد: «نیکو و پسندیده نیست  
این که جماعتی از شعرا کرده‌اند و می‌کنند چیزی را تشبیه کردن به چیزی که در خیال و وهم  
موجود نباشد و نه در اعیان چنانکه انگشت افروخته را به دریای مشکین که موج او زرین باشد  
تشبیه کنند و هرگز در اعیان نه دریای مشکین موجود است و نه موج زرین.» (وطواط، ۱۳۶۲: ۴۲)  
مردگی جهل و زندگی دین است      هر چه گفتند مغز آن اینست  
(سنایی، ۱۳۷۴: ۹۶)

در بیت فوق، دو تشبیه عقلی به کار رفته است. در تشبیه اول، جهل به مردگی (مرگ) و در تشبیه دوم، دین به زندگی؛ تشبیه شده است. نظامی نیز در مواردی از این قسم تشبیهات بهره برده است، که به چند مورد به عنوان مثال اشاره می شود:

تا نگردي کودکانه زیر این مهد کبود      کاژدهای کودک است این دایه نامهربان  
(نظامی، ۱۳۸۰: ۲۴۵)

در مصراع دوم بیت فوق، دایه نامهربان (روزگار) به اژدها تشبیه شده است.

سخن از من آفریده چو فتوت از مروّت      هنر از من آشکارا چو طراوت از جوانی  
(همان، ۲۵۶)

در مصراع دوم، هنر به طراوت تشبیه شده است. مشبّه: هنر، مشبّه‌به: طراوت. هر دو طرف تشبیه اموری غیرحسی و عقلانی هستند.

#### ۴-۱: تشبیه عقلی به حسی

در این گونه از تشبیه، مشبّه امری غیرحسی (عقلی) و مشبّه‌به نیز امری حسی است. این گونه از تشبیه، «در صورت کشف رابطه و مناسبت همانندی، اغلب زیباترین شکل همانندی را به وجود می آورد.» (ثروتیان، ۱۳۸۳: ۹۸)

زیباترین و هنری ترین شکل این قسم تشبیه، در کسوت اضافه تشبیهی نمایان می شود:

عنقا که یابد دام کس در پیش آن عنقا مگس      ای عنکبوت عقل بس تاکی تنی این تار را  
(مولوی، ۱۳۸۳: ۱۲)

در مثال فوق، عنکبوت عقل، ترکیب تشبیهی (تشبیه بلیغ اضافی) است که در آن عقل به عنکبوت تشبیه شده است. مشبّه: عقل (عقلی) و مشبّه‌به: عنکبوت (حسی)؛ است.

گاهی اوقات نیز این قسم از تشبیه به صورت غیراضافی است:

عمر پلی است رخنه سر حادثه سیل پل شکن      کوش که نارسیده سیل از پل رخنه بگذری  
(خاقانی، ۱۳۷۴: ۴۲۶)

در این بیت عمر به پل و حادثه به سیل تشبیه شده است. مثالی دیگر:

جوانی شمع ره کردم که جویم زندگانی را      نجستم زندگانی را و گم کردم جوانی را  
(شهریار، ۱۳۷۴: ۱۹۵)

در این تشبیه نیز، جوانی به شمع تشبیه شده است. مشبّه: جوانی (عقلی) و مشبّه‌به: شمع (حسی) است. چند نمونه از دیوان نظامی:

باغ جهان ز کثرت اشجار شد خراب      گویا فتاده ارّه قهر از کف قضا  
(نظامی، ۱۳۸۰: ۲۲۰)

در مصراع دوم بیت بالا، ترکیب اضافی ارّه قهر، ترکیب تشبیهی است. قهر به ارّه تشبیه شده است. مشبّه: قهر (عقلی) و مشبّه‌به: ارّه (حسی) است.

از خراب تن نگرده روح دانا خاکسار      مرغ در پستی نیفتد از شکست شاخسار  
(همان: ۳۴۷)

در بیت حاضر، روح به مرغ تشبیه شده است. مشبّه: روح (عقلی) و مشبّه‌به: مرغ (حسی) است.

#### – نکته‌ای پیرامون تشبیه خیالی و وهمی

در کنار انواع تشبیهاتی که از نظر حسی و غیرحسی بودن طرفین تشبیه مطرح شد، گونه‌ای از تشبیه نیز با عنوان «تشبیه خیالی و وهمی» ذکر شده است که در کتب مرتبط با فنون ادبی قدیم با این عنوان، به چشم نمی‌خورد. علامه همایی در تعریف تشبیه خیالی و وهمی، می‌فرماید: «در خیالی، حسّ مدخلیت دارد زیرا از محسوسات انتزاع شده است اما در تشبیه وهمی، حسّ مدخلیت ندارد، چون از امر محسوس انتزاع نشده است.» (همایی، ۱۳۷۰: ۱۴۴) به عنوان مثال:

عشق دریای حیات است که او را تک نیست      عمر جاوید بود موهبت کمتر او  
(مولوی، ۱۳۸۳: ۹۶۱)

در این مثال، شاعر عشق را به دریای حیات تشبیه کرده است. مشبّه: عشق و مشبّه‌به: دریای حیات است. دریای حیات در این بیت، امری خیالی است. همچنین ترکیب «بیشه نور» در مثال زیر:

«در دل من چیزی است / مثل یک بیشه نور، مثل خواب دم صبح» (سپهری، ۱۳۸۷: ۳۵۶)

این قسم تشبیه، از تشبیهات نادر در قصاید و غزلیات دیوان حکیم گنجه است که فقط یک مورد کاربرد داشته است:

عمری ز سودای لبش جستم به یارب یارِش      آخر به ظلمات شبش چون آب حیوان یافتم  
(نظامی، ۱۳۸۰: ۳۰۲)

در این بیت، مشبّه: او (معشوق) و مشبّه‌به: آب حیوان است.

در تشبیه وهمی نیز، مشبّه‌به امری غیر واقعی و غیر حسّی و به عبارت دیگر، امری موهوم و ساخته ذهن است و هیچ امر محسوس در شکل‌گیری آن دخیل نبوده است. «غالب علمای ادب، تشبیه وهمی را داخل اقسام تشبیه عقلی و تشبیه خیالی را جزو اقسام حسّی شمرده‌اند:

یکی نیزه تیز برداشت گیو      چو دندان دیو و چو چنگال دیو»  
(همایی، ۱۳۷۰: ۱۵۸)

در بیت مذکور، نیزه تیز به دندان دیو و چنگال دیو، تشبیه شده است. دندان و چنگال دیو، امری موهومند که ساخته ذهن شعرا هستند. نظامی نیز می‌فرماید:

خلفند غول شیوه چه گردی به گردشان      با غول کس نگشته در این وادی آشنا  
(نظامی، ۱۳۸۰: ۲۱۸)

در این بیت، مشبّه: خلق و مشبّه‌به: غول است که امری موهوم محسوب می‌شود.

به سخن گنج سعادت به آور که سخن      کیمیایی است که بر سنگ نهی زر گردد  
(همان: ۲۲۶)

در بیت مذکور نیز سخن به کیمیا تشبیه شده است. کیمیا ماده‌ای افسانه‌ای است که در قدیم معتقد بودند؛ قادر است ماهیت اشیاء را تغییر دهد و مثلاً فلزات را به طلا تبدیل سازد. این ماده نه در عالم محسوس و نه در عالم خیال وجود ندارد، بلکه ساخته موهومات بشری است.

شهباز طرب باش که شاهین فنا      سیمرخ بقا را چو مگس می‌گیرد  
(همان: ۳۵۲)

در این بیت، ترکیب اضافی سیمرخ بقا، ترکیب تشبیهی است. بقا به سیمرخ تشبیه شده است. سیمرخ نه در عالم واقع و نه در عالم خیال وجود ندارد بلکه امری وهمی است.

## - تقسیم‌بندی تشبیه بر اساس ذکر یا عدم ذکر برخی از ارکان

پیشتر ذکر شد که از چهار رکن تشبیه، دو رکن (مشبه و مشبه‌به) اصلی و دو رکن دیگر (وجه شبه و ادات تشبیه)، فرعی است. نیز اشاره شد که ارکان اصلی به هیچ عنوان قابل حذف شدن نیستند، اما ارکان فرعی را می‌توان حذف کرد. بنابراین، هر تشبیه از نظر ذکر یا حذف برخی از ارکان آن، به دو قسمت تقسیم می‌شود:

الف: حذف یا ذکر ادات تشبیه. ب: حذف یا ذکر وجه شبه.

## ۲-۱ انواع تشبیه از نظر حذف یا ذکر ادات تشبیه

این قسم از تشبیه شامل دو نوع است: ۱. تشبیه مرسل یا صریح ۲. تشبیه مؤکد

## ۲-۱-۱ تشبیه مرسل یا صریح

در این قسم، ارکان چهارگانه تشبیه (ادات تشبیه، وجه شبه، مشبه و مشبه‌به) بدون هیچ‌گونه حذف، در یک جمله یا بیت در کنار هم قرار می‌گیرند. با توجه به این که هدف از تشبیه، آفرینش خیال انگیز ادبی و به عبارت دیگر سحربازی با کلمات برای تصویرسازی است؛ به نظر می‌رسد که این قسم از تشبیه، غیرهنری‌ترین شکل آن و به تعبیر علامه همایی، «پست‌ترین مراتب تشبیه» (همایی، ۱۳۷۰: ۱۶۰)، باشد. به عنوان مثال:

می‌روی مجموع و من پیوسته همچون گیسوت از پریشانی که هستم در قفا افتاده‌ام

(خواجو، ۱۳۶۹: ۴۷۱)

در این بیت: «من» مشبه، «گیسو» مشبه‌به، «همچون» ادات تشبیه و «پریشان بودن و در قفا افتادن» وجه شبه هستند. و یا در مثال زیر:

«مهلت نمی‌دهند که مثل کبوتری / در شرم صبح پر بگشایم» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۶: ۱۱۶)

در این عبارت، «من» مشبه، «کبوتر» مشبه‌به، «مثل» ادات تشبیه و «پر گشادن» وجه شبه است.

نمونه‌هایی از دیوان نظامی:

تردامند جمله در این کهنه مزرعه سرگشته و اسیر گلو همچو آسیا

(نظامی، ۱۳۸۰: ۲۱۹)

در بیت فوق، «جمله (مردمان)» مشبّه، «آسیا» مشبّه‌به، «همچو» ادات تشبیه و «تردامن، سرگشته و اسیر گلو بودن» وجه شبه هستند.

دست بردست آمده چون گل به نخلستان عرش  
 عرشیان را حلق ازو شیرینتر از شکر شده  
 (همان: ۲۴۹)

در این بیت، «ضمیر مستتر او (وجود مبارک پیامبر اکرم ص)» مشبّه، «گل» مشبّه‌به، «چون» ادات تشبیه و «دست بر دست آمدن» وجه شبه است.

### ۲-۱-۲ تشبیه مؤکد

اگر از بین ارکان چهارگانه تشبیه، «ادات تشبیه» حذف شود بدان تشبیه، تشبیه مؤکد یا «بالکنایه یا محذوف الأداة» (شمیسا، ۱۳۸۳: ۱۴۳)، گویند. «غرض اصلی تشبیه، عینیت بخشیدن به دو چیزی است که غیریت دارند. چون ادات حذف شود، عینیت به صورت محسوس تری نماینده می‌شود.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۵: ۶۶) به عنوان مثال:

خضر شوی در بقا و دانش و آنگاه  
 آب در اجزای تو کند حیوانی  
 (سیف فرغانی، ۱۳۶۴: ۳۵۴)

در این بیت، «ضمیر مستتر تو» مشبّه، «خضر» مشبّه‌به، ادات تشبیه، محذوف و «بقا و دانش» وجه شبه است. حکیم گنجه نیز می‌فرماید:

در باغ آسمان که سراسر خم است و پیچ  
 جز میوه کجی ندهد شاخ استوا  
 (نظامی، ۱۳۸۰: ۲۱۹)

در بیت، «آسمان» مشبّه، «باغ» مشبّه‌به، ادات تشبیه محذوف و «پر پیچ و خم بودن» وجه شبه است.

نهاد خم شده بوستان عصیانم  
 که دهر خشک کند بهر آتش سقرم  
 (همان: ۲۴۱)

در این بیت، «ضمیر م (من)» مشبّه، «نهاد خم شده» مشبّه‌به، ادات تشبیه محذوف و «خشکانده شدن» وجه شبه است.

## ۲-۲: انواع تشبیه از نظر حذف یا ذکر وجه شبه

وجه شبه، خصوصیت و ویژگی برجسته‌ای است که مشبّه و مشبّه‌به در آن شریک هستند. به عبارت دیگر، حلقه اتصال مشبّه و مشبّه‌به به همدیگر است. از این رو، «بحث وجه شبه، مهم‌ترین بحث تشبیه است چون وجه شبه مبین جهان بینی و وسعت تخیل شاعر است و در نقد شعر بر مبنای وجه شبه است که متوجه نوآوری و یا تقلید می‌شویم.» (شمیسا، ۱۳۸۳: ۹۸)

بنابر این، هر تشبیه‌ای از نظر ذکر یا عدم ذکر وجه شبه، به دو گونه: تشبیه مجمل و تشبیه مفصل، تقسیم می‌شود. برخی از علمای بلاغت، تشبیه بلیغ را نیز جزو این تقسیم بندی در نظر گرفته‌اند، در حالی که تشبیه مذکور دارای ویژگی‌های جداگانه‌ای است.

### ۲-۲-۱ تشبیه مجمل

در این نوع از تشبیه، وجه شبه حذف شده، دیگر ارکان تشبیه یعنی مشبّه، مشبّه‌به و ادات تشبیه ذکر می‌شوند و یافتن وجه شبه محذوف، بر عهده مخاطب است که گاه امری بدیهی و گاه امری دشوار است. هر چه تشبیه از نظر طرفین آن (مشبّه و مشبّه‌به) عقلی‌تر باشد، یافتن این پیوند دشوارتر خواهد بود. به عنوان مثال:

باده‌ای چون آتش موسی و چون آب خضر نوش می‌کن در جوار دولت شاه جهان

(سلمان ساوجی، ۱۳۷۱: ۲۹۹)

در مصراع اول بیت فوق، دو تشبیه به کار رفته است. در تشبیه اول، «باده» مشبّه، «آتش موسی» مشبّه‌به، «چون» ادات تشبیه و وجه شبه (سرخی رنگ یا شور و حرارت)، محذوف است. در تشبیه دوم نیز، «باده» مشبّه، «آب خضر (آب حیات)» مشبّه‌به، «چون» ادات تشبیه و وجه شبه (حیات بخشیدن)، محذوف است. نظامی نیز در دیوان خویش می‌فرماید:

تا چو پروانه شوی بر سر این هفت چراغ شمع خورشید به خون تو معبر گردد

(نظامی، ۱۳۸۰: ۲۲۳)

در این بیت، «ضمیر مستتر (تو)» مشبّه، «پروانه» مشبّه‌به، «چو» ادات تشبیه و وجه شبه (عاشق و پاکباخته بودن)، محذوف است.

ندیمم شد غمت در بزم عشقت سلیمانی تو و من همچو مورت  
(همان: ۲۵۶)

در بیت فوق، «من» مشبّه، «مور» مشبّه‌به، «همچو» ادات تشبیه و وجه شبه (حقیر و بی ارزش بودن از نظر مقام و منزلت)، محذوف است.

بگیرم زلف چون دامش ز خالاش دانه‌ای سازم شوم مرغی و بر شمعش ز جان پروانه‌ای سازم  
(همان: ۳۰۸)

در بیت مذکور، «زلف» مشبّه، «دام» مشبّه‌به، «چون» ادات تشبیه و وجه شبه (گرفتار کردن، به بند کشیدن، اسیر خود کردن)، محذوف است.

### ۲-۲-۲ تشبیه مفصل

در این قسم از تشبیه، برعکس تشبیه مجمل، وجه شبه ذکر می‌شود. به نظر می‌رسد که این گونه از تشبیه از نظر تعریف، مشابه تشبیه مرسل باشد که در آن ارکان چهارگانه تشبیه ذکر می‌شوند. به همین جهت در برخی از کتب بلاغی، تشبیه مفصل را ذکر نکرده‌اند. از جمله استاد فقید دکتر ثروتیان در کتاب خویش (فن بیان در آفرینش خیال) و در تقسیم بندی انواع تشبیه صریح، به جای تشبیه مفصل، تشبیه بلیغ را ذکر کرده‌اند. (ر.ک: ثروتیان، ۱۳۸۳: ۸۷)

### ۳: نکته‌ای در باب تشبیه بلیغ

اگر از ارکان چهارگانه تشبیه، ارکان فرعی تشبیه یعنی ادات تشبیه و وجه شبه، حذف شوند و بار اصلی تشبیه بر روی مشبّه و مشبّه‌به باشد؛ به آن تشبیه بلیغ گفته می‌شود. این قسم از تشبیه را هنرمندانه‌ترین شکل تشبیه نامیده‌اند چون «ادعای همانندی و اشتراک بین مشبّه و مشبّه‌به در این نوع از تشبیه قوی‌تر است تا آنجا که برخی این نوع از تشبیه را استعاره دانسته‌اند.» (علوی مقدم و اشرف‌زاده، ۱۳۷۶: ۸۸)

علامه همایی، استعاره دانستن تشبیه بلیغ را رد کرده، بیان می‌دارند که «این نوع تشبیه را از آن جهت بلیغ و مؤکد می‌گویند که تشبیه در نظر ادبا هر قدر نامعلوم‌تر و نهفته‌تر باشد، مبالغه و تأکیدش بیشتر است و این جمله در زبان اهل ادب شایع است که می‌گویند: تأکید و مبالغه تشبیه،

بسته تناسی تشبیه است. (تناسی یعنی فراموشی به خود بستن) یعنی؛ هر قدر آثار و علایم تشبیه در جمله کمتر و نامحسوس تر باشد مبالغه آن در معنی بیشتر است و بدین سبب تشبیه بلیغ از تشبیه مؤکد و مؤکد از مرسل بیشتر بلاغت دارد. (همایی، ۱۳۷۰: ۱۶۱) دلیل ماهرانه بودن این قسم از تشبیه آن است که «به نظر می‌رسد مشبّه و مشبّه‌به - طرفین تشبیه - یکی هستند.» (رنجبر، ۱۳۸۵: ۴۷)

با وجود این که در کتب بلاغی قدیم، صرفاً تشبیهی را که در آن ادات تشبیه و وجه شبه ذکر نشده باشد، تشبیه بلیغ دانسته‌اند و به اضافه شدن «مشبّه‌به» به «مشبّه» و یا غیر آن اهمّیت چندانی قایل نشده‌اند، می‌توان تفاوتی در طرز ارایه تشبیه بلیغ قایل شده، آن را به دو گونه: تشبیه بلیغ اسنادی و تشبیه بلیغ اضافی (اضافه مشبّه‌به به مشبّه و یا برعکس) تقسیم‌بندی کرد.

### ۳-۱ تشبیه بلیغ اسنادی

این نوع از جملات تشبیهی، مشابه جملات اسنادی است یعنی ساختار تشبیه به گونه‌ای است که با استفاده از افعال ربطی، «مشبّه‌به» به «مشبّه» و یا برعکس، اسناد داده می‌شود. به عنوان مثال:

این جهان زندان و ما زندانیان      حفره کن زندان و خود را و رهان

(مولوی، ۱۳۸۸: ۸۶)

در بیت فوق، جهان را به زندان و ما را نیز به زندانیان تشبیه کرده است. نه وجه شبه و نه ادات تشبیه، هیچ کدام ذکر نشده‌است. این تشبیه به لحاظ عدم ذکر ارکان فرعی تشبیه، تشبیه بلیغ از نوع اسنادی است و فعل «است»، فعل اسنادی آن محسوب می‌شود که به قرینه معنوی حذف شده‌است. گاهی نیز ممکن است فعل ذکر شود:

«عشق یک واژه نیست یک معنی است / نردبانی به عالم بالاست» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۶:

۲۷۲)

در این بیت، «عشق» مشبّه، «نردبان» مشبّه‌به، ادات و وجه شبه، محذوف هستند. نظامی می‌فرماید:

خضر شو تا چو ز بغداد جهان کوچ کنی      قدم تو پل این دجله خضر گردد

(نظامی، ۱۳۸۰: ۲۲۲)

در این بیت، دو تشبیه بلیغ به کار رفته است. در مصراع اول، «ضمیر مستتر (تو)» مشبّه، «خضر» مشبّه‌به، ادات تشبیه و وجه شبه، هر دو محذوف هستند. در مصراع دوم نیز، «قدم» مشبّه، «پل» مشبّه‌به، ادات و وجه شبه، حذف شده‌اند.

وای آن روز که در کشمکش مظلومان بر سرت هر سر موئی سر خنجر گردد

(همان: ۲۲۴)

در بیت فوق نیز، «سر مو» مشبّه، «سر خنجر» مشبّه‌به، ادات تشبیه و وجه شبه، هر دو محذوف هستند.

شحنه ما دانش، آنکه حرص در همسایگی رستم ما زنده، آنکه دیو در مازندران

(نظامی، ۱۳۸۰: ۲۴۲)

در بیت مذکور، «دانش» مشبّه، «شحنه» مشبّه‌به، ادات تشبیه و وجه شبه، محذوف هستند.

### تشبیه بلیغ اضافی

در این شکل از تشبیه نیز همانند تشبیه بلیغ اسنادی، ارکان فرعی تشبیه یعنی «ادت» و «وجه شبه» ذکر نمی‌شوند. این تشبیه، همان «اضافه تشبیهی» است. این شکل از تشبیه بلیغ و به عبارت صحیح‌تر، اضافه تشبیهی را - که از پر کاربردترین اشکال تشبیه است - می‌توان به دو نوع: اضافه «مشبّه» به «مشبّه‌به» و اضافه «مشبّه‌به» به «مشبّه»؛ تقسیم کرد که گونه دوم، زیباتر و فنی‌تر است. در هر دو حالت مذکور، بحث «همسانی» طرفین تشبیه به اوج خود رسیده، شکلی خیالی و تصویری بی‌نظیر از یک شباهت را به وجود می‌آورد:

عقیق اشک من در جام یاقوت شراب لعل یا لعل مذاست

(خواجو، ۱۳۶۹: ۲۱۳)

در این بیت خواجو، هر دو نوع تشبیه بلیغ به کار رفته است. در مصراع اول، «عقیق اشک» اضافه تشبیهی (تشبیه بلیغ اضافی) «مشبّه‌به» به «مشبّه» و ترکیب «شراب لعل» نیز از نوع اضافه «مشبّه» به «مشبّه‌به» است.

خیال غرق شدن در نگاه ژرف تو بود که دل زدیم به دریای بی‌خیالی‌ها

(امین پور، ۱۳۸۶: ۶۱)

ترکیب «دریای بی خیالی‌ها» در بیت فوق، مثال دیگری از این گونه تشبیه در شعر معاصر است. نظامی نیز که خود از بزرگ‌ترین ابداع‌کنندگان ترکیبات تشبیهی است، در دیوان خویش می‌فرماید:

در باغ آسمان که سراسر خم است و پیچ جز میوه کجی ندهد شاخ استوا

(نظامی، ۱۳۸۰: ۲۱۹)

شاهد مثال در این بیت، ترکیب اضافی «باغ آسمان» است.

قدم خمیده، سرم سوی خاک مایل شد که در حدیقه عصمت نهال بارورم

(همان: ۲۳۹)

در بیت فوق نیز، ترکیب «حدیقه عصمت» شاهد مثال است.

۴: وجه شبه

وجه شبه در اصل، وجه اشتراک و حلقه اتصال «مشبه» به «مشبه‌به» است که از نظر نوع، به دو گونه: حسّی و غیر حسّی؛ و از نظر ساختار، به سه قسم: مفرد، مقید و مرکب؛ تقسیم می‌شود.

۴-۱ انواع وجه شبه از نظر محسوس و معقول بودن

۴-۱-۱ وجه شبه حسّی

آن است که قابل دریافت با یکی از حواس پنجگانه باشد، یعنی امری حسّی باشد:

خشک چو نافه می‌شود خونم از آنکه می‌کنی دایره‌ای چو مشک تر زلف سیاه خویش را

(نظامی، ۱۳۸۰: ۲۳۹)

در بیت مذکور و در مصراع اول، «خون» مشبه، «نافه» مشبه‌به، «خشک شدن» وجه شبه (قابل مشاهده و لمس شدن)، «چو» ادات تشبیه. در مصراع دوم، «زلف سیاه» مشبه، «دایره‌ای مشکین» مشبه‌به، «به شکل گرد درآوردن و معطر کردن» وجه شبه (قابل مشاهده و لمس شدن که محذوف هستند)، «چو» ادات تشبیه. یا در مثال زیر:

آتش نصیب مشعل از آن شد که نزد خلق چون سفلگان بود ز پی لقمه‌ای به پا

(همان: ۲۱۹)

در بیت مذکور، «مشعل» مشبّه، «سفلگان» مشبّه‌به، «به پا ایستادن» وجه شبه (قابل مشاهده و لمس شدن)، «چون» ادات تشبیه؛ است.

#### ۴-۱-۲ وجه شبه غیر حسّی

گاهی وجه شبه قابل دریافت با حواسّ پنجگانه نیست و امری غیرلمسوس و کاملاً عقلانی است:

به رنگ و بوی چو طفل فریب خورده زدست      ربود نقد جوانی سپهر عشوه گرم  
(نظامی، ۱۳۸۰: ۲۴۰)

در بیت فوق، «ضمیر مستتر من» مشبّه، «طفل» مشبّه‌به، «فریب خورده» وجه شبه (عقلی است چون قابل مشاهده و لمس شدن نیست)، «چو» ادات تشبیه؛ است. همچنین در مثال زیر:

شد درج خاطر متهی از گوهر خرد      کز صدمت جفای توام عقل شد هبا  
(همان: ۲۲۰)

در تشبیه اوّل، «خاطر» مشبّه، «درج» مشبّه‌به، «گنجایش» وجه شبه (عقلی است)؛ در تشبیه دوم نیز، «خرد» مشبّه، «گوهر» مشبّه‌به، «ارزشمندی» وجه شبه (عقلی است) است.

#### ۴-۲ انواع وجه شبه از نظر ساختار

وجه شبه را از نظر ساختمان نیز می‌توان به سه نوع تقسیم کرد:

#### ۴-۲-۱ وجه شبه مفرد

آن است که مشبّه و مشبّه‌به فقط از یک جهت با همدیگر مشابهت داشته باشند. به عبارت دیگر، فقط یک وجه مشترک مابین مشبّه و مشبّه‌به وجود داشته باشد:

چونکه شوم عاشق حسن تو من      بشکفم از عشق تو همچون سمن  
(همان: ۳۱۲)

در این بیت، «ضمیر م (من)» مشبّه، «سمن» مشبّه‌به، «شکفتن» وجه شبهه و «همچون» ادات تشبیه است. وجه مشترکی که مابین مشبّه و مشبّه‌به ذکر شده است، امر «شکفتن» است که مفرد است.

رخ را چوشمع افروخته پروانه را جان سوخته  
من تشنه و لب دوخته او چشمه حیوان من  
(همان: ۳۱۹)

در این بیت نیز، «ضمیر مستتر (او)» مشبّه، «شمع» مشبّه‌به، «افروختن» وجه شبهه و «چو» ادات تشبیه است. تنها نقطه اشتراک مابین مشبّه و مشبّه‌به، امر «افروختگی» است.

#### ۴-۲-۲ وجه شبهه مقید

وجه شبهه به صورت مضاف و مضاف‌الیه است:

چون غنچه دلی دارم پر خون ز جفای تو  
عمرم به کران آمد در عهد و وفای تو  
(نظامی، ۱۳۸۰: ۳۲۲)

ترتیب اصلی جمله در بیت فوق، چنین است: من، چون غنچه، از جفای تو؛ دل پرخونی دارم. «ضمیر مستتر (من) در فعل دارم» مشبّه، «غنچه» مشبّه‌به، «دل پر خون» وجه شبهه و «چون» ادات تشبیه است. «دل پر خون» به صورت مضاف و مضاف‌الیه است.

#### ۴-۲-۳ وجه شبهه مرکب

در این قسم، یا چند صفت و ویژگی متعدّد برای وجه شبهه می‌شود و یا خصوصیت مشترک بین طرفین تشبیه، امری مرکب است:

پیش خیال روی تو چون شمع هر شبی  
در خدمت ایستادن و بگداختن خوش است  
(همان: ۲۶۹)

در بیت فوق، «ضمیر مستتر (من)» مشبّه، «شمع» مشبّه‌به، «ایستادن و گداختن» وجه شبهه و «چون» ادات تشبیه است. بر پای ایستادن و گداختن، دو صفت (یا دو وجه شبهه) است.

تا درین حلقه دری از دست و پایی چاره نیست  
چون جرس می‌نال و می‌رو با امان و بی امان  
(همان: ۲۴۱)

در این بیت نیز، «ضمیر مستتر (تو)» مشبّه، «جرس» مشبّه‌به، «نالیدن، با امان و بی‌امان رفتن» وجه شبه و «چون» ادات تشبیه است.

### ۵: اقسام تشبیه به اعتبار ارکان چهارگانه

در کتب بلاغی، انواع متفاوتی از تشبیه را به لحاظ ارکان تشبیه، ذکر کرده‌اند. صاحب حدایق السحر، آن را به هفت قسم طبقه‌بندی کرده است که عبارتند از: «تشبیه مطلق، تشبیه مشروط، تشبیه کنایت، تشبیه تسویت، تشبیه عکس، تشبیه اضممار، تشبیه تفضیل.» (وطواط، ۱۳۶۲: ۴۲) علامه همایی نیز انواع تشبیه را به اعتبار طرفین تشبیه (ارکان اصلی تشبیه)، به چهار گونه تقسیم‌بندی نموده- اند که عبارتند از: «تشبیه ملفوف، مفروق، جمع و تسویه.» (همایی، ۱۳۷۰: ۱۵۶) در این تقسیم‌بندی، تشبیهات مطلق، مشروط، عکس و تفضیل به صورت تشبیهاتی مستقل در نظر گرفته شده‌اند.

### ۱-۵ تشبیه جمع

«اگر طرف دوم تشبیه یعنی مشبّه‌به، متعدّد باشد آن تشبیه جمع است.» (عرفان، ۱۳۸۴: ۱۸۴) در حقیقت، «مشبّه‌به چندین امر است.» (شمس‌العلمای گرکانی، ۱۳۷۷: ۱۳۱)

ای ماه چو ابروان یاری گویی	یا همچو کمان شهریاری گویی
نعلی زده از زر عیاری گویی	بر گوش سپهر گوشواری گویی

(همایی، ۱۳۷۰: ۱۵۶)

در رباعی فوق، «ماه» مشبّه، «ابروی یار» مشبّه‌به اول، «کمان شهریاری» مشبّه‌به دوم، «نعل» مشبّه‌به- به سوم و «گوشوار» مشبّه‌به چهارم؛ است. حکیم گنجه نیز می‌فرماید:

لیک برکشیده احرامیان راهش	چون حربیان به غوغا چون خاکیان به محشر
---------------------------	---------------------------------------

(نظامی، ۱۳۸۰: ۲۳۳)

در این بیت، «احرامیان» مشبّه، «حربیان» و «خاکیان» مشبّه‌به هستند.

تویی لعل بدخشانی تویی یاقوت رمانی	تویی لؤلؤی عمانی تویی بستان و گلزارم
-----------------------------------	--------------------------------------

(همان: ۳۰۴)

در بیت فوق نیز، «تو» مشبّه، «لعل بدخشان»، «یاقوت رمانی»، «لؤلؤی عمّانی»، «بستان» و «گلزار»؛ مشبّه‌به هستند.

چشم اسلام و چراغ شرع یعنی مصطفی (ص)  
از سر چشم و چراغ آن برسران سرور شده  
(نظامی، ۱۳۸۰: ۲۴۷)

در این بیت، «رسول مکرم (ص)» مشبّه، «چشم اسلام» و «چراغ شرع» هر دو مشبّه‌به هستند.

### ۲-۵ تشبیه تفضیل

«این صنعت چنان باشد که شاعر چیزی را به چیزی مانده کند باز از آن برگردد و مشبّه را بر مشبّه‌به ترجیح و تفضیل نهد.» (وطواط، ۱۳۶۲: ۵۰) صاحب کتاب «دقایق الشعر» نیز در تکمیل تعریف‌های ذکر شده، بر این باور است که: «بعد از تشبیه چیزی به چیزی، وجه تفضیل و برتری «مشبّه» بر «مشبّه‌به» پیدا کند. مؤلف:

کجا رسد به رخت نور آفتاب که او  
نظر بکاهد و تو نور دیده افزایی  
(تاج الحلاوی، ۱۳۸۳: ۳۹)

نظامی نیز می‌فرماید:

شدم بر صورتی عاشق که بر مه می کند غوغا  
چه صورت، صورتی دلبر، چه دلبر، دلبری زیبا  
(نظامی، ۱۳۸۰: ۲۵۹)

شاعر معشوق خویش را زیباتر از ماه می‌داند که حتی بر ماه غوغا (= یورش و برتری) می‌کند.  
قندت نتوان گفتن کز گلشکری خوشتر  
در دل نتوان گفتن در جان که خواهی شد  
(همان: ۲۸۰)

شاعر معشوق خویش را به قند تشبیه نمی‌کند چرا معشوقش حتی از گلشکر نیز شیرین‌تر است.

### ۳-۵ تشبیه ملفوف

در این نوع تشبیه، «مشبّه‌ها در یکجا و مشبّه‌به‌ها در دیگر سوی با هم جمع شوند.» (تجلیل، ۱۳۸۵: ۴۷) به عنوان مثال:

«لیک در قطره باران / که بر این نیلوفر / غم و شادی به هم آمیخته چون رنج و هنر» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۶: ۳۳۴) در این مثال، «غم» و «شادی» مشبّه و «رنج» و «هنر» مشبّه‌به هستند. نظامی نیز می‌فرماید:

شد برکنار مَلّت و دین رفت از میان      وز هر دو نام ماند چو سیمرغ و کیمیا

(نظامی، ۱۳۸۰: ۲۱۸)

در این مثال نظامی، «مَلّت» و «دین» مشبّه و «سیمرغ» و «کیمیا» نیز مشبّه‌به هستند.

صبحدمی چو از رُخت بر فکنی کلّاله را      چشم و رخت خجل‌کند نرگس مست و لاله را

(نظامی، ۱۳۸۰: ۲۶۲)

در بیت مذکور، «چشم» و «رخت» مشبّه و «نرگس» و «لاله» نیز مشبّه‌به هستند.

#### ۴-۵ تشبیه مفروق

این نوع از تشبیه برعکس تشبیه ملفوف است و در آن هر مشبّه در کنار مشبّه‌به خود قرار می‌گیرد:

گرچه اندر گنجه چون گنجور مجرم عاجزم      در یمن بحر شفیع در ختن خونین دهان

(همان: ۲۴۵)

در مصراع اوّل، «ضمیر م (من)» مشبّه و «گنجور مجرم» مشبّه‌به، در مصراع دوم نیز «ضمیر م (من)» مشبّه و «بحر شفیع» مشبّه‌به است.

به چشم از آب طوفانم به دل کانونم از آتش      به تن چون خاکم از خواری به دل جز بادحسرت نی

(همان: ۲۵۱)

در این بیت نیز دو تشبیه به کار رفته است. در مصراع اوّل و تشبیه اوّل، «دل» مشبّه و «کانون آتش» مشبّه‌به. در مصراع دوم «تن» مشبّه و «خاک» مشبّه‌به است.

#### ۵-۵ تشبیه معکوس یا مقلوب (تشبیه عکس)

هرگاه شاعر با هدف مبالغه، در یک عبارت تشبیهی، جای مشبّه و مشبّه‌به را عوض نماید بدان

تشبیه، تشبیه مقلوب یا معکوس گویند:

دو رخ چو قمر دارد، دارد چو قمر دو رخ      عنبر ز قمر رسته، رسته ز قمر عنبر  
(همان: ۲۳۱)

شاهد مثال در این بیت، در مصراع اوّل قرار دارد که ابتدا، دو رخ معشوق به ماه تشبیه شده سپس شاعر، جای مشبّه (دو رخ) را با مشبّه‌به (قمر) عوض کرده است.

#### ۵-۶ تشبیه مضمّر

در این نوع تشبیه، «شاعر، کلام خود را طوری می‌آورد که گویی خیال تشبیه ندارد و همین امر سبب می‌شود که ذهن مخاطب بیشتر به جستجو پردازد و ارتباطها را با دقّت بیشتری دنبال کند.» (علوی مقدم، اشرف‌زاده، ۱۳۷۶: ۱۱۱) علامه همایی آن را «تشبیه ضمنی» نامیده است. (ن.ک: همایی، ۱۳۷۰: ۱۵۸)

کوش تا شهوت خود را به جوانی شکنی      کاژدها گردد ماری که معمر گردد  
(نظامی، ۱۳۸۰: ۲۲۴)

در بیت فوق، شهوت به صورت ضمنی به مار تشبیه شده است که در صورت فرصت یافتن، به اژدها تبدیل خواهد شد.

چون مگس خورد انگبین پروانه را شمع از چه سوخت

کیسه طرّاران برند آفت به عیاران رسد

(همان: ۲۷۹)

در مصراع اوّل، دو کلمه «مگس» و «پروانه»، مشبّه هستند. در مصراع دوم نیز، دو کلمه «طرّار» و «عیار» به ترتیب مشبّه‌به برای «مگس» و «پروانه» هستند. در عین حال، مصراع دوم، تمثیل برای مصراع اوّل است.

#### ۵-۷ تشبیه حروفی

یکی از ارکان اصلی تشبیه (در اکثر تشبیهات، مشبّه‌به)، به شکل یکی از حروف الفبای فارسی است. در دیوان قصاید و غزلیات فقط یک بیت یافت شد که از همین قسم تشبیه است و در آن می‌فرماید:

بر آن صحیفه‌ام آن حرف آخر کلمه که نه وقوف ز «مبنی» است نه خبر ز «جرم»  
(همان: ۲۴۰)

در این بیت، نظامی خود را به حرف آخر کلمه (= ه) تشبیه کرده است.

۶: بعضی از تشبیهات نادر

۶-۱ تشبیه تمثیل

«تشبیهی است که مشبّه‌به آن، جنبه مثل یا حکایت داشته باشد.» (شمیسا، ۱۳۸۱: ۱۰۴) (نیز،  
ن.ک: تجلیل، ۱۳۸۵: ۵۴، همایی، ۱۳۷۰: ۱۶۴) نظامی نیز می‌فرماید:

از خراب تن نگرود روح دانا خاکسار مرغ در پستی نیفتد از شکست شاخسار  
(نظامی، ۱۳۸۰: ۳۴۷)

در این بیت دو تشبیه به کار رفته است: در تشبیه اول «روح دانا» مشبّه و «مرغ» مشبّه‌به است.  
در تشبیه دوم نیز، «تن» مشبّه و «شاخسار» مشبّه‌به است. مصراع دوم بیت، تمثیل برای مصراع اول  
است.

۶-۲ تشبیه استعاری

در این قسم از تشبیه، یکی از طرفین تشبیه، کاربردی استعاری داشته و به عنوان مشبّه یا  
مشبّه‌به، مطرح می‌شود:

گهر بریخت ز دُرجم ستاره سان، که دمید ز صوب مشرق حرمان ستاره سحرم  
(همان: ۲۳۹)

در بیت فوق، «گهر» استعاره از دندان‌ها و «دُرجم» استعاره از دهان شاعر است. «فرو ریختن  
گهر از دُرجم» مشبّه و «فرو ریختن ستارگان در صبحدمان» مشبّه‌به است.

۶-۳ تشبیه در تشبیه

در این شکل از تشبیه، یکی از طرفین تشبیه، خود به صورت اضافه تشبیهی است و در عین  
حال نیز در جایگاه مشبّه یا مشبّه‌به قرار گرفته، در نهایت هر دو تشبیه در قالب یک تشبیه واحد  
نمود پیدا می‌کند. این نمونه از تشبیه در دیوان نظامی بسیار نادر است:

تا کلید فقر او آمد عیان چون ذوالفقار      نه دژ در بسته را در چون در خیر شده  
(همان: ۲۴۸)

در این بیت، «کلید فقر»، تشبیه بلیغ اضافی است و به عبارت دیگر، اضافه تشبیهی است در عین حال نیز، به عنوان مشبه برای ذوالفقار (مشبه به)؛ محسوب می شود.

#### ۶-۴ مجاز در تشبیه

در این شکل از تشبیه نیز همانند تشبیه استعاری، یکی از طرفین تشبیه، خود به صورت مجاز به کار رفته، در عین حال نیز در جایگاه مشبه یا مشبه به قرار می گیرد و بدین ترتیب، یک تشبیه مستقل را تشکیل می دهند:

دریا کفی که بر صفت ابر نوبهار      بر کرده فیض رحمتش از هر دیار سر  
(نظامی، ۱۳۸۰: ۲۳۵)

در این بیت از نظامی، «دریا کف»، مجازاً به معنی سخاوتمند است و در عین حال نیز، به عنوان مشبه برای ابر نوبهار (مشبه به)؛ محسوب می شود.

#### ۶-۵ کنایه در تشبیه

گاهی اوقات ممکن است وجه شبه موجود در تشبیه، جنبه کنایی داشته باشد:

چو من در خدمت زلفت کمر چون مور بریستم  
به غارت کردن موری سلیمانی مکن چندین  
(همان: ۳۲۰)

در بیت مذکور، «من»، مشبه، «مور» مشبه به، «چون» ادات تشبیه و «کمر برستن» وجه شبه است. کمر برستن، کنایه از «آماده خدمت‌گزاری بودن» است.

چون گلاب از تو به هر انجمنی می‌گیریم      تو چو گل بر رخ هر ناکس و کس می‌خندی  
(همان: ۳۲۹)

در این بیت دو تشبیه به کار رفته است که در تشبیه دوم، «تو»، مشبه، «گل» مشبه به، «چو» ادات تشبیه و «بر کسی خندیدن» وجه شبه است که کنایه از «تمسخر و بی وفایی» است.

### نتیجه‌گیری

وجه برجسته اشعار نظامی در ادبیات ایران، به غیر از معانی والا، تبخّر در به کارگیری انواع فنون بلاغی و ادبی است. در میان فنون مذکور، تشبیه و تشبیه آفرینی جایگاه ممتازی در شعر نظامی دارد که این جایگاه، مختصّ مثنوی‌های پنج‌گانه او نیست و در غزلیات، قصاید، قطعات و رباعیات او نیز جلوه‌گری می‌کند.

مقایسه انواع تشبیهاتی که در دیوان نظامی به کار رفته‌اند با نوع تشبیهات به کار گرفته شده در مثنوی‌های پنج‌گانه او، حاکی از آن است که نه تنها تفاوتی از نظر ترکیب آفرینی مابین این آثار به چشم نمی‌خورد بلکه با توجه به میدان گسترده‌ای که تنوع قالب‌های شعری در اختیار او قرار داده است، تنوع بیشتری نیز در انواع تشبیه آفرینی به چشم می‌خورد.

با توجه به قدرت قریحه و توانمندی نظامی در مضمون آفرینی و خلق تصاویر بدیع، از نظر محسوسات و معقولات، تشبیهاتی که از جنبه تخیلی و غیرمحسوس برخوردارند سهم بیشتری از ترکیبات محسوس را به خود اختصاص داده‌اند. توفیق او در فن تشبیه آفرینی، صرفاً به مثنوی‌هایش تعلق نداشته، در دیوان اشعارش نیز جلوه خاصی خلق کرده است.

مخاطب غزلیات و قصاید نظامی به هنگام مطالعه دیوان، کمترین گسستی بین مثنوی‌ها و سایر قالب‌های شعری او را متوجه نمی‌شود، چرا که زبان او متفاوت از زبان مثنوی‌هایش نیست. به همان اندازه که در مضمون آفرینی و ترکیب سازی در مثنوی‌هایش وسواس داشته‌است، در خلق تصاویر و تشبیهات غزل و قصیده و قطعه نیز دقت لازم را داشته‌است. این نکته می‌تواند مؤید این نکته باشد که از نظر زمانی، فاصله‌ای بین سرودن مثنوی‌ها و اشعار دیوانش وجود نداشته است.

فهرست منابع و مآخذ

- ۱ - ابوهلال حسن بن عبدالله سهل، عسگری، (۱۳۷۲)، *معیار البلاغه*، ترجمه محمدجواد نصیری، تهران: دانشگاه تهران.
- ۲ - احمدنژاد، کامل، (۱۳۸۲)، *معانی و بیان*، تهران: زوآر.
- ۳ - امین پور، قیصر، (۱۳۸۶)، *دستور زبان عشق*، تهران: مروارید.
- ۴ - پورنامداریان، تقی، (۱۳۸۱)، *سفر در مه*، تهران: نگاه.
- ۵ - تاج الحلاوی، علی بن محمد، (۱۳۸۳)، *دقایق الشعر*، به تصحیح و با حواشی و یادداشت‌های سید محمدکاظم امام، تهران: دانشگاه تهران.
- ۶ - تجلیل، جلیل، (۱۳۸۵)، *معانی و بیان*، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ۷ - ثروتیان، منصور، (۱۳۸۳)، *بیان در شعر فارسی*، تهران: برگ.
- ۸ - جرجانی، عبدالقاهر، (۱۳۷۴)، *اسرار البلاغه*، ترجمه دکتر جلیل تجلیل، تهران: دانشگاه تهران.
- ۹ - حافظ شیرازی، شمس‌الدین محمد، (۱۳۷۲)، *دیوان حافظ*، به تصحیح علامه قزوینی و دکتر قاسم غنی، تهران: نوبهار.
- ۱۰ - خواجوی کرمانی، کمال‌الدین ابوالعطاء، (۱۳۶۹)، *دیوان اشعار*، به تصحیح احمد خوانساری، تهران: پازنگ.
- ۱۱ - رنجبر، احمد، (۱۳۸۵)، *بیان*، تهران: اساطیر.
- ۱۲ - ساوجی، سلمان، (۱۳۷۱)، *دیوان اشعار*، به تصحیح و مقدمه ابوالقاسم حالت، تهران: نشر «ما».
- ۱۳ - سپهری، سهراب، (۱۳۸۷)، *هشت کتاب*، تهران: طهوری.
- ۱۴ - سعدی شیرازی، مصلح‌الدین، (۱۳۸۳)، *کلیات سعدی*، به کوشش دکتر مظاهر مصفا، تهران: روزنه.
- ۱۵ - سنایی غزنوی، ابومجد مجدودبن آدم، (۱۳۷۴)، *حدیقه الحقیقه*، به تصحیح مدرّس رضوی، تهران: دانشگاه تهران.
- ۱۶ - شفیعی کدکنی، محمدرضا، (۱۳۸۵)، *صور خیال در شعر فارسی*، تهران: آگاه.
- ۱۷ - \_\_\_\_\_، (۱۳۸۶)، *آینه‌ای برای صداها*، تهران: سخن.
- ۱۸ - شمیسا، سیروس، (۱۳۸۱)، *معانی و بیان*، تهران: فردوس.

- ۱۹ - \_\_\_\_\_، (۱۳۸۳)، بیان، تهران: فردوس.
- ۲۰ - شهریار (بهجت تبریزی)، محمدحسین، (۱۳۷۴)، دیوان شهریار، با مقدمه جمعی از اساتید و نویسندگان، تهران: نگاه.
- ۲۱ - عرفان، حسن، (۱۳۸۴)، ترجمه و شرح جواهرالبلاغه، قم: بلاغت.
- ۲۲ - عروضی سمرقندی، ابوالحسن نظام الدین، (۱۳۷۶)، چهارمقاله عروضی، انتخاب و شرح انزابی نژاد - قره بیگلو، تهران: جامی.
- ۲۳ - علوی مقدم، محمد و اشرفزاده، رضا، (۱۳۷۶)، معانی و بیان، تهران: سمت.
- ۲۴ - فرغانی، سیف، (۱۳۶۴)، دیوان اشعار، به تصحیح دکتر ذبیح الله صفا، تهران: فردوس.
- ۲۵ - گرکانی، شمس العلماء، (۱۳۷۷)، ابداع البدایع، به اهتمام حسین جعفری، با مقدمه دکتر جلیل تجلیل، تبریز: احرار.
- ۲۶ - محبتی، مهدی، (۱۳۹۰)، بدیع نو، تهران: سخن.
- ۲۷ - مولوی، جلال الدین محمد، (۱۳۸۳)، کلیات دیوان شمس، بر اساس نسخه بدیع الزمان فروزانفر، تهران: پژوهش.
- ۲۸ - \_\_\_\_\_، (۱۳۸۸)، مثنوی معنوی، با مقدمه استاد فروزانفر، تهران: راستین.
- ۲۹ - نظامی گنجوی، الیاس بن یوسف، (۱۳۸۳)، کلیات (پنج گنج)، به تصحیح و شرح حسن وحید دستگردی، تهران: طلایه.
- ۳۰ - \_\_\_\_\_، الیاس بن یوسف، (۱۳۸۰)، دیوان قصاید و غزلیات، به کوشش استاد سعید نفیسی، تهران: فروغی.
- ۳۱ - وطواط، رشیدالدین، (۱۳۶۲)، حدایق السحر فی دقایق الشعر، به تصحیح عباس اقبال، تهران: طهوری.
- ۳۲ - همایی، جلال الدین، (۱۳۷۰)، معانی و بیان، به کوشش ماهدخت همایی، تهران: هما.
- ۳۳ - \_\_\_\_\_، (۱۳۷۱)، فنون بلاغت و صناعات ادبی، تهران: هما.